فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال ششم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۵، صص ۱۱۹-۱۰۱

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۶۰۳۰۵

تجزیه و تحلیل تأثیر بی‌ثباتی سیاسی با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی ایران بر تجارت بین‌الملل

ولی‌محمد درینی[۱]
استادیار گروه مدیریت ، حسابداری و اقتصاد دانشگاه پیام نور تهران
هادی اسماعیل پورمقدم[۲]
دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی (نویسنده مسئول)
وحید دهباشی[۳]
کارشناسی ارشد اقتصاد دانشگاه زابل

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۷/۱۳ **تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۹/۱٤**

چکیده

بر همگان آشکار است که عملکرد اقتصادی و ساختار سیاسی جامعه دارای رابطه تنگاتنگ و متقابل می‌باشند؛ به طوری که موفقیت و دوام هر ساختار سیاسی وابسته به عملکرد اقتصاد می‌باشد. از سوی دیگر عملکرد اقتصاد هم در مرحله تدوین و تکوین سیاست‌های اقتصادی و هم در مرحله اجرا وابسته به ماهیت و کیفیت ساختار سیاسی می‌باشد. عملکرد کشور در تجارت بین‌الملل و تراز بازرگانی نیز به عنوان یکی از شاخص‌های عملکرد اقتصادی از کیفیت فضای سیاسی جامعه تأثیر می‌پذیرد. این مقاله به بررسی تأثیر بی‌ثباتی سیاسی با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی ایران بر تجارت بین الملل کشور با استفاده از روش خودرگرسیونی با توزیع با وقفه (ARDL) می‌پردازد. نتایج حاصل از برآورد مدل نشان می‌دهد ثبات سیاسی اثر مثبت بر وضعیت تجارت بین‌الملل و تراز بازرگانی کشور دارد؛ به گونه‌ای که با یک درصد بهبود کیفیت فضای سیاسی و افزایش میزان ثبات سیاسی تراز بازرگانی در تجارت بین‌الملل ۱۱ درصد افزایش می‌یابد. هم‌چنین نرخ ارز حقیقی مؤثر و رشد اقتصادی نیز اثری مثبت و معنادار بر تراز بازرگانی کشور دارند.

واژه‌های کلیدی: ثبات سیاسی، تجارت بین‌الملل، ژئوپلیتیک.

1.vm.Darini@yahoo.com
2.hadies1369@gmail.com
3.vahideconomy@gmail.com

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

۱- مقدمه

ژئوپلیتیک در دیدگاه اندیشمندان علوم سیاسی و جغرافیای سیاسی، همواره از مفاهیم ناپایدار و با تحول پذیری زیاد به شمار می‌رود که به واسطه آن موقعیت ژئوپلیتیک متحول کشورها در سطوح مختلف نظام بین المللی، جهانی و منطقه‌ای مورد ارزیابی علمی قرار می‌گیرد. هم‌زمان با وقوع انقلاب اسلامی و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و با پدید آمدن نظام دوقطبی خداگرا-بشرگرا، موقعیت ژئوپارادایم ایران به عنوان مرکز جهان خداگرا و رویکرد انقلاب اسلامی در جهان اسلام، به‌ویژه در حوزه الهام بخشی برای رهایی از سلطه بیگانگان بوده است که نشانگر موقعیت ژئوپلیتیک ایران در بین کشورهای منطقه به‌ویژه خاورمیانه می‌باشد. محیط امنیتی هر جامعه‌ای، تابع و برآیندی از تعامل و تقابل متغیرهای محیط داخلی و محیط خارجی آن است. بر این اساس، محیط امنیتی ایران به اقتضای طبیعت و هویت انقلابی- ایدئولوژیکی آن و از جهت تاریخی، فرهنگی و قومی به سبب موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک آن محیطی آسیب پذیر و حساس بوده است (فاضلی‌نیا، ۱۳۸۵: ۲۱). بدین ترتیب موقعیت خاص ایران، همواره بستر مناسبی را برای ایجاد تنش‌های سیاسی و نظامی و به مخاطره افتادن امنیت ملی و در نتیجه بی‌ثباتی سیاسی آن فراهم آورده است.

در این میان با توجه به پیوند عمیق اقتصاد و سیاست، ساختار سیاسی جامعه نقشی غیر قابل انکار بر عملکرد اقتصاد دارد. ثبات سیاسی یکی از شاخص‌هایی است که نشان‌دهنده شرایط سیاسی جامعه است که از جمله پیش‌شرط‌های اساسی بازسازی اقتصادی و توسعه، داشتن ثبات سیاسی می‌باشد. یکی از جنبه‌های عملکرد اقتصاد، عملکرد اقتصاد در تجارت بین‌الملل است که از شاخص تراز تجاری یا بازرگانی برای بررسی آن استفاده می‌شود. تراز بازرگانی در تجارت بین‌الملل بیانگر میزان منافعی است که کشور از رابطه تجاری با سایر کشورها به دست می‌آورد. بدیهی است که هرچه صادرات از واردات بیشتر باشد، منابع ارزی و سود بیشتری نصیب اقتصاد کشور می‌شود. تراز بازرگانی از مهم‌ترین متغیرها و محدودیت‌های استراتژیک اقتصاد کلان در کشورهای در حال توسعه به شمار می‌رود (شقاقی‌شهری، ۱۳۸٦). دستیابی به اهداف اقتصادی نظیر بهبود وضعیت تراز بازرگانی در تجارت بین‌الملل مستلزم مجموعه‌ای از هماهنگی‌ها بین عناصر مؤثر است. در شرایط بی‌ثباتی سیاسی اجرای برنامه‌های توسعه با شکست و ناکامی روبرو خواهد شد. بی‌ثباتی سیاسی موجب افزایش ریسک می‌شود

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال ششم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۵

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

و از این طریق ارزش مورد انتظار بازده سرمایه را کاهش داده و انگیزه پس‌انداز را تضعیف می‌نماید و مصرف‌گرایی را افزایش و موجب کاهش سطح سرمایه‌گذاری می‌شود (کاتبی، ۱۳۷۶: ۱۰۰-۷۹). بدین روی با کاهش سطح سرمایه‌گذاری و در نتیجه کاهش تولید، امکان صادرات کاهش می‌یابد و بنابراین تراز بازرگانی کشور دچار کسری می‌شود و تعادل در این بخش را بر هم می‌زند.

بدین ترتیب اهمیت ثبات سیاسی بر فضای اقتصادی جامعه و عملکرد آن موضوعی غیر قابل انکار است که در این پژوهش به بررسی تأثیر ثبات سیاسی با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی ایران بر تجارت بین‌الملل پرداخته می‌شود. تحقیقات متعددی پیرامون روابط بین فضای سیاسی جامعه و عملکرد اقتصاد انجام شده است که اثر شرایط سیاسی جامعه را بر عملکرد اقتصادی مورد بررسی قرار داده‌اند. غالباً در این مطالعات از شاخص رشد اقتصادی به عنوان نشانگر عملکرد اقتصادی استفاده شده است؛ اما تاکنون مطالعه‌ای پیرامون بررسی تأثیر ثبات سیاسی با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی بر تجارت بین‌الملل ایران انجام نشده است. به‌علاوه در این تحقیق با استفاده از آمار و اطلاعات، شاخص‌های مورد مطالعه بررسی گردیده و بدین ترتیب با روش‌های آماری و اقتصادسنجی اثر آن‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است که در پژوهش‌های سیاسی این رویکرد کمتر به چشم می‌خورد که این خود می‌تواند بر نوآوری مقاله بیفزاید.

از این رو در بخش‌های بعدی مقاله به مبانی نظری موضوع و پیشینه پژوهش پرداخته می‌شود و در بخش‌های چهارم و پنجم روش استفاده شده و نتایج حاصل از برآورد مدل تشریح می‌شود و در پایان نتیجه‌گیری ارائه می-گردد.

۲. مبانی نظری

۲-۱. ثبات سیاسی

ثبات سیاسی مفهومی پیچیده است که تاکنون اجماعی بر سر تعریف آن و تعیین مصادیق و ویژگی‌های آن شکل نگرفته است. این ابهام و پیچیدگی به دلیل نسبی بودن ثبات است (کرم‌زادی، ۱۳۹۵: ۱۱۹). ثبات سیاسی بیانگر شرایطی در جامعه است که در آن ناآرامی‌های اجتماعی، ترور و اعدام‌های سیاسی، کودتا، آشوب‌های شهری، آشفتگی‌های اجتماعی،

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

تنش‌های قومی و انتقال آرام قدرت در سطوح بالا وجود نداشته باشد. ثبات سیاسی یکی از عوامل ارتقا دهنده حکمرانی خوب است. عموماً به دلیل نسبی و هنجاری بودن این مفهوم در میان تحلیل‌گران، اجماع صریحی در مورد تعریف و یا شرایط باثبات یا بی‌ثبات دانستن نظام سیاسی وجود ندارد. سنجش بی‌ثباتی را می‌توان بر اساس میزان و شدت رفتارهای تهاجمی افراد و گروه‌ها در داخل سیستم سیاسی علیه دیگر افراد، گروه‌ها، نهادهای رسمی و یا نیمه رسمی ارزیابی کرد (فایرابند و فایرابند، ۱۳۷۹: ۷۷). در تعریفی هنجاری از اسمیت، ثبات سیاسی حالتی است که در آن اعضای جامعه از الگوهای رفتاری واقع در چارچوب‌های ناشی از نقش انتظارات سیاسی خود منحرف نشده باشند. هم‌چنین در تعریفی بر مبنای تداوم هنجاری و رفتاری از یان لاستیک، ثبات سیاسی به امکان تداوم الگوهای خاصی از رفتار سیاسی گفته می‌شود که با انتظاری عمومی همراهی می‌شود که چنین الگوهایی احتمالاً در آینده‌ای قابل پیش‌بینی دست نخورده باقی خواهد ماند (خواجه سروی، ۱۳۸۲: ۹۲ به نقل از لاستیک[1]، ۲۰۰۰: ۱۷۳). در حالی که در تعریفی از سابریو، بی‌ثباتی سیاسی وضعیتی دانسته می‌شود که یک حکومت مورد چالش قرار گرفته و تهدید به سقوط شود که در این صورت بی‌ثباتی مترادف با عدم قطعیت، بلاتکلیفی و نااطمینانی است (عظیمی دولت‌آبادی، ۱۳۸۷: ۲٤٦ به نقل از سوربیو و پاتی[2]، ۲۰۰۲: ۹۱).

با این وجود، همه اندیشمندان قائل به تلازم دائمی بین بی‌ثباتی سیاسی و تغییر حکومت نیستند. از این منظر، بی–ثباتی سیاسی، عدم قطعیت را در تداوم نظام یا حکومت مستقر به وجود می‌آورد که بر اقتدار و کارایی نظام مستقر تأثیر می‌گذارد. بنابراین بی‌ثباتی سیاسی ضرورتاً مستلزم تغییر در حکومت نیست. به عنوان مثال جنبش‌های واگرا می‌توانندموجب بروز بی‌ثباتی سیاسی شوند؛ بدون آن که تغییری در حکومت ایجاد نماید (عظیمی دولت‌آبادی، ۱۳۸۷: ٦٧).

ساندرز در تعریف و تبیین بی‌ثباتی سیاسی، استنباط‌های تئوریک را در چارچوب سه رویکرد تداوم نهادی، رویکرد تجربی یا مکتب فراوانی و رویکرد وضعیت‌محور رسانه‌ای ارائه می‌نماید. در رویکرد نهادی در تعریف ثبات و بی‌ثباتی سیاسی بر تداوم، پایایی و یا عدم پایایی نهادهای دموکراتیک یا غیر دموکراتیک قدرت تأکید می‌شود و به صورت گسترده‌تر،

1. Lastick
2. Sorbio and Patti

فصلنامه علمی –پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال ششم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۵

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

واحد سیاسی باثبات، واحدی است که ساختار نهادی کلی خاص خود را در طول زمان حفظ نماید (کاستلز[1]، ۱۹۷٤: ٤۷). در رویکرد تجربی یا مکتب فراوانی، بی‌ثباتی با تغییر نسبت فراوانی وقوع انواع خاصی از حوادث سیاسی تغییر می‌کند و هر چه کشوری تعداد کودتاها، تغییرات حکومت، تظاهرات، شورش، آغاز جنگ یا عملیات چریکی و مرگ بر اثر خشونت سیاسی در آن بیشتر باشد، بی‌ثبات‌تر تلقی می‌شود. به بیان دیگر ثبات سیاسی عبارت است از عدم وقوع رفتارها یا حوادث امنیت ستیز و بی‌ثباتی عبارت است از وقوع مکرر حوادث بی‌ثبات کننده (ساندرز، ۱۳۸۰: ۱۰۷). رویکرد وضعیت‌محور رسانه‌ای، رویکردی استنباطی- تحلیلی و بر مبنای حدس و گمان و داده‌های ژورنالیستی است (بنی‌هاشمی، ۱۳۹٤: ۱٤٥).

ساندرز با ارزیابی انتقادی و با بهره‌گیری از رویکردهای مفهومی دیگر، ویژگی‌های تعریف علمی از بی‌ثباتی سیاسی را بیان می‌نماید و با رعایت این ویژگی‌ها و با الهام از ایستون، مرجع بی‌ثباتی سیاسی را نظام سیاسی و ارکان و عناصر این نظام معرفی می‌کند. بر مبنای ایده ایستون، سیستم شامل چندین عنصر مرتبط و مؤثر بر همدیگر هستند که دارای روابط و مناسبات هدفمندی می‌باشند. از دیدگاه ساندرز، چنان‌چه سیاست را تخصیص مقتدرانه ارزش‌ها بدانیم، بی‌ثباتی سیاسی وضعیتی است که در آن تأثیرگذاری یا تعاملات در درون و بین عناصر نظام سیاسی، مختل، غیر قابل پیش‌بینی یا نامعین است (ساندرز، ۱۳۸۰: ۱۱۹-۱۱۸). ساندرز، ارکان و عناصر بنیادین نظام سیاسی را شامل رژیم حقوقی و هنجارهای بنیادین حاکمیت سیاسی، مقامات و نهاد حکومت و جامعه سیاسی معرفی می‌کند و دو دسته تهدیدات را در قالب تغییرات و چالش‌ها، زمینه بی‌ثباتی هریک از ای عناصر می‌داند (ساندرز، ۱۳۸۰: ۱۲۷-۱۱۹). به طور خلاصه مهم‌ترین ایده رویکرد مفهومی ساندرز در تعریف بی‌ثباتی سیاسی، مفهوم انحراف از الگو یا وضعیت متعارف نظام یا رژیم است. بر این اساس، بی‌ثباتی سیاسی زمانی است که وضعیت سیاسی جاری با وضعیت سیاسی پیشین تفاوت پیدا می‌کند و وضعیت جدید را احتمالاً نامطمئن می‌خوانند. تا زمانی که واقعه خاص، گویای تداوم و توالی به‌سامان رویدادهای منظم پیشین است، سطح بالایی از بی‌ثباتی را تشکیل نمی‌دهد؛ تنها وقتی که واقعه به شدت از الگوی پیشین نظام انحراف می‌یابد، سطح نسبتاً بالایی از بی‌ثباتی محسوب می‌شود (ساندرز، ۱۳۸۰: ۱۷۳-۱۷۲). با توجه به این ملاحظات، معیار و تعریف

1. Castels

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

ساندرز برای ثبات و بی‌ثباتی سیاسی عبارت است از: چنان‌چه در هر نقطه زمانی خاص، تعداد و شدت وقوع تغییرات چالش‌ها نسبت به هریک از ارکان یک نظام سیاسی (رژیم، جامعه، حکومت) از الگوی خاص هنجاری پیشین تغییرات و چالش‌ها در آن نظام سیاسی دچار انحراف و دگرگونی شود، این وضعیت را می‌توان الگوی هنجاری جدید یا بی‌ثبات سیاسی دانست (ساندرز، ۱۳۸۰: ۳٤٤).

۲-۲. اثرگذاری بی‌ثباتی سیاسی بر تجارت بین‌الملل

ثبات سیاسی موجب بهبود روابط بین‌الملل می‌گردد و دولت به عنوان بازیگر اصلی از دیدگاه جریان اصلی موجود در نظریه‌های روابط بین‌الملل، نقشی کلیدی در این زمینه دارد (امینی و محمودی، ۱۳۹۰: ۳۳). منافع ایدئولوژیک، ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک می‌توانند بنیان‌های انگیزشی تنش را شکل دهند (شیرازی، ۱۳۹٤: ۸۳). ایران به دلیل واقع شدن در منطقه استراتژیکی خلیج فارس، دائماً تحت فشارهای سیستمیک بین‌المللی و منطقه‌ای قرار دارد (کشاورز شکری و صادقیان، ۱۳۹۲: ۸٤) که این خود موجب بروز و تشدید بی-ثباتی سیاسی در کشور می‌شود. به‌ویژه نقش عوامل هویتی و فرهنگی نیز در این زمینه آشکار است (سمیعی اصفهانی و همکاران، ۱۳۹٤: ۲؛ غراپاق زندی، ۱۳۹٤: ۱۲۷ و عسگریان و همکاران، ۱۳۹٤: ۱۵۷)؛ به طوری که توان گفتمان سازی جمهوری اسلامی ایران را می‌توان به عنوان یکی از مبانی مخالفت با جمهوری اسلامی ایران دانست (دهشیری و مقامی، ۱۳۹٤: ۱٦۲).

بی‌ثباتی سیاسی فارغ از نوع و شدت خود همواره انرژی و پتانسیل‌هایی را که باید در مسیر اقتصاد و توسعه به کار گرفته شوند، از بین می‌برد و روند طبیعی سیستم اقتصادی را در اثر سوء مدیریت که ناشی از منازعات درون‌حزبی و رون‌حزبی است، منحرف می‌سازد و سرعت نیل به اهداف اقتصادی را کند می‌نماید. بی‌ثباتی سیاسی امکان سرمایه‌گذاری در اقتصاد را سلب می‌نماید و با کاهش و از بین بردن این سرمایه‌گذاری‌ها، کاهش تولید در کالاها صورت می‌گیرد و موجب می‌شود صادرات کاهش یابد و کشور دچار کسری تراز بازرگانی شود و از این رو وضعیت تجارت بین‌الملل و تراز بازرگانی را دچار اختلال می‌نماید. همان‌طور که شواهد تجربی نشان می‌دهد در کشورهایی که احتمال کودتا، شورش‌های خیابانی، ترور و اشکال دیگر تغییر غیر مسالمت‌آمیز قدرت وجود دارد انگیزه برای سرمایه‌گذاری پایین

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

بوده و سرمایه‌گذاران در چنین وضعیتی بر انتقال سرمایه خود به مناطق امن و با ثبات سیاسی بالا مبادرت می‌ورزند. لذا نرخ جانشینی سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت و احتمالاً با بهره‌وری بالا به وسیله طرح‌های سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت و با بهره‌وری پایین افزایش می‌یابد. به‌علاوه ناکارآمدی تولیدی پدید آمده ناشی از بی‌ثباتی سیاسی، تولید نهایی را کاهش می‌دهد (می‌دری، ۱۳۷٤: ۱۷۷-۱٦۳). بنابراین حاصل این بی-ثباتی سیاسی در دو محور بروز می‌نماید که یکی کاهش تولید کالا و در نتیجه کاهش صادرات است و دیگری تغییر جهت تولید به سمت کالاهای با کیفیت پایین خواهد بود که این امر به واسطه جایگزین شدن طرح‌های سرمایه‌گذاری با بهره‌وری پایین رخ داده است که نتیجه آن از بین رفتن امکان صادرات این کالا خواهد بود. لذا در هر دو محور کشور دچار کسری تراز بازرگانی خواهد شد و تراز بازرگانی مختل می‌شود.

بی‌ثباتی سیاسی از کانال عوامل تولید نیز می‌تواند بر تولید و در نتیجه صادرات مؤثر باشد. بی‌ثباتی سیاسی می‌تواند با تأثیر منفی بر بازار نیروی کار، بهره‌وری نیروی کار را کاهش دهد (فوسو[1]، ۲۰۰۱: ۲۹۱) و امکان تولید کم‌تر و یا تولید با کیفیت پایین‌تر را فراهم نماید که این نیز موجب کم شدن و یا از بین رفتن صادرات خواهد شد و به طور مضاعف کشور را دچار کسری تراز بازرگانی خواهد نمود و بدتر شدن وضعیت تجارت بین‌الملل را به همراه خواهد داشت.

۳. پیشینه پژوهش

برخی از مهم‌ترین تحقیقاتی که پیرامون تأثیر فضای سیاسی بر عملکرد اقتصادی انجام شده است، در ذیل اشاره می‌شود:

آیسن و ویگا[2] (۲۰۱۱) در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر بی‌ثباتی سیاسی بر رشد اقتصادی پرداختند. جامعه آماری این مطالعه شامل ۱٦۹ کشور طی دوره زمانی ۲۰۰٤-۱۹٦۰ بود. نتایج مطالعه حاکی از این بود که درجه بالای بی‌ثباتی سیاسی با کاهش رشد اقتصادی همراه است. به‌علاوه بی‌ثباتی سیاسی از طریق کاهش بهره‌وری موجب کندشدن نرخ رشد اقتصادی می‌گردد و به میزانی کمتر، بر سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی تأثیر منفی می‌گذارد.

1. Fosu (2001)
2. Aisen and Veiga

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

قریشی و همکاران[1] (۲۰۱۰) به بررسی تأثیر بی‌ثباتی سیاسی بر توسعه اقتصادی پاکستان طی دوره ۲۰۰۸-۱۹۷۱ پرداختند. نتایج مطالعه بیانگر این بود که بی‌ثباتی سیاسی مانعی برای توسعه اقتصادی محسوب می‌گردد.

جونگ‌پین[2] (۲۰۰۶) با استفاده از روش تحلیل عاملی به بررسی آثار مختلف بی‌ثباتی سیاسی (انگیزه‌های خشونت، اعتراضات مدنی، بی‌ثباتی در درون نظام سیاسی و بی‌ثباتی نظام سیاسی) بر رشد اقتصادی پرداختند. در این تحقیق که بر اساس داده‌های ۹۸ کشور در دوره زمانی ۲۰۰۳-۱۹۸٤ انجام شد، تأیید گردید که بی‌ثباتی نظام سیاسی اثر منفی و معناداری بر رشد اقتصادی دارد.

کافمن و همکاران[3] (۲۰۰۵) در مطالعه‌ای به بررسی اثر کیفیت حاکمیتی دولت شامل آزادی بیان، بی‌ثباتی سیاسی و آشوب، اثربخشی دولت، کیفیت نظم‌دهی، حاکمیت قانون و کنترل فساد بر رشد اقتصادی ۲۰۹ کشور در سال‌های ۱۹۹٦، ۱۹۹۸، ۲۰۰۰، ۲۰۰۲ و ۲۰۰٤ پرداختند. بر اساس نتایج تحقیق، شش بعد حاکمیتی تأثیر متفاوتی بر عملکرد کشورهای مورد مطالعه دارد.

اسکالی[4] (۲۰۰۲) به بررسی تأثیر آزادی سیاسی بر رشد اقتصادی ۱۱۵ کشور طی دوره زمانی ۱۹۸۰-۱۹٦۰ پرداخت. نتایج مطالعه وی بیانگر این بود که کشورهایی که دارای این ویژگی هستند از رشد اقتصادی دو تا سه برابر بیشتر نسبت به کشورهایی که این ویژگی را ندارند، برخوردارند.

آستریو و پرایس[5] (۲۰۰۱) به تحلیل آثار نااطمینانی سیاسی بر رشد اقتصادی انگلستان پرداختند. نتایج بر اساس تجزیه و تحلیل داده‌های ۱۹۹۷-۱۹٦۱ نشان داد رابطه قوی و منفی بین بی‌ثباتی سیاسی با رشد اقتصادی وجود دارد.

گیمه و تراپنر[6] (۱۹۹۹) در تحقیقی رابطه بین بی‌ثباتی سیاسی و رشد اقتصادی را در کشورهای آفریقایی بررسی کردند. نتایج مطالعه بر اساس روش معادلات همزمان حاکی از

1. Qureshi et al.
2. Jong- A- Pin
3. Kaufmann et al.
4. Scully
5. Asteriou and Price
6. Gyimah-Brempong and Traynor

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

این بود بی‌ثباتی سیاسی علاوه بر اثر مستقیم، به طور غیر مستقیم نیز از طریق کاهش سرمایه بلندمدت بر رشد اقتصادی تأثیر منفی می‌گذارد.

بارو[1] (۱۹۹٦) در مطالعه‌ای اثر بی‌ثباتی سیاسی را بر رشد اقتصادی در ۹۸ کشور طی دوره زمانی ۱۹۸۵-۱۹٦۰ بررسی کرد. در این مطالعه دو شاخص تعداد انقلاب‌ها و کودتاها در سال و تعداد قتل‌های سیاسی در هر سال به ازای هریک میلیون نفر مورد توجه قرار گرفته بود. نتایج نشان داد هر دو متغیر تعداد انقلاب‌ها و کودتاها و تعداد قتل‌های سیاسی تأثیر منفی چشم‌گیری بر رشد اقتصادی کشورهای مورد مطالعه دارند.

قربانی و هزاره (۱۳۹۵) در مطالعه‌ای اثر ثبات سیاسی را بر عملکرد محیط زیست با استفاده از الگوی لاجیت ترتیبی داده‌های تابلویی با اثرگذاری‌هتی تصادفی برای ١٦٤ کشور منتخب طی سال‌های ۲۰۱۲-۲۰۰۲ مورد بررسی قرار دادند. نتایج حاکی از تأثیر مثبت ثبات سیاسی بر بهبود شاخص عملکرد محیط زیست بود.

مهرآرا و همکاران (١٣٩٤) به بررسی اثر ثبات سیاسی بر ظرفیت مالیاتی در کشورهای منطقه منا (خاورمیانه و شمال آفریقا) طی دوره زمانی ۲۰۱۲-۱۹۹٦ پرداختند. نتایج حاصل از برآورد مدل نشان داد ثبات سیاسی اثر مثبت و معناداری بر ظرفیت مالیاتی دارد.

شاه‌آبادی و بهاری (۱۳۹۳) اثر ثبات سیاسی را بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب توسعه‌یافته و در حال توسعه طی دوره ۲۰۱۲-۱۹۹٦ بررسی کردند. در این مطالعه محققان از روش GMM برای داده‌های پانل پویا استفاده کردند. نتایج مطالعه حاکی از اثر مثبت و معنادار شاخص ثبات سیاسی بر رشد اقتصادی در هر دو گروه کشورهای مورد مطالعه بود.

جعفری صمیمی و همکاران (۱۳۸٦) رابطه بین ثبات سیاسی و رشد اقتصادی را در کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا طی دوره ۲۰۰٦-۱۹۹٦ مورد بررسی قرار دادند. نتایج این مطالعه حاکی از این بود که رابطه مثبت و معناداری بین ثبات سیاسی و رشد اقتصادی کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا وجود دارد.

می‌دری (١٣٧٤) در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر بی‌ثباتی سیاسی-اجتماعی بر رشد اقتصادی ٦۰ کشور طی دوره ۱۹۸۲-۱۹٤۸ پرداختند. نتایج نشان داد که بی‌ثباتی سیاسی-اجتماعی تأثیر منفی بر رشد اقتصادی کشورهای مورد مطالعه دارد.

1. Barro

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

۴. تصریح مدل و روش تحقیق

الگوی مورد استفاده در این تحقیق به صورت ذیل می‌باشد:

$$LBL_t = C + \alpha LGDP_t + \beta LPOL_t + \gamma LEX_t + \varepsilon_t \qquad (۱)$$

که در آن، LBL نشان دهنده لگاریتم تراز بازرگانی در تجارت بین‌الملل است. تراز بازرگانی برابر تفاضل ارزش صادرات کالا از ارزش واردات کالا در کشور است. LPOL برابر لگاریتم شاخص ثبات سیاسی است و LGDP نمایانگر لگاریتم رشد اقتصادی است که برابر لگاریتم تولید ناخالص داخلی است. LEX نیز شاخص نرخ ارز است که از نرخ ارز حقیقی مؤثر استفاده شده است. داده‌های این مطالعه طی دوره زمانی ۲۰۱۵-۱۹۹۶ بوده و از پایگاه‌های اطلاعاتی بانک جهانی و بانک مرکزی ایران استخراج گردیده‌اند. در این مقاله از روش خود توضیح با وقفه‌های توزیعی که توسط پسران و شین[1] (۱۹۹۹) ارائه شده، استفاده شده است. بیشتر مطالعات اخیر اشاره دارند که روش ARDL برای بررسی رابطه هم‌جمعی و بلندمدت بین متغیرها بر دیگر روش‌هایی مانند انگل-گرنجر برتری دارد. این روش صرف‌نظر از این که متغیرهای موجود در مدل I(۰) یا I(۱) باشند، قابل کاربرد است و هم‌چنین در نمونه‌های کوچک کارآیی نسبتاً بیشتری در مقایسه با روش‌های دیگر دارد. مدل خود توضیح با وقفه‌های توزیعی به صورت زیر است:

$$\varphi(L,P)Y_t = \sum_{i=1}^{k} b_i(L,q_i)X_{it} + c'w_t + u_t \qquad (۲)$$

که در آن داریم:

$$\varphi(L,P)Y_t = 1 - \varphi_1 L - \varphi_2 L^2 - \cdots - \varphi_p L^P \qquad (۳)$$

$$b_i(L,q_i) = b_{i0} + b_{i1}L + \cdots + b_{iq}L^q \qquad i = 1,2,\ldots,k \quad (٤)$$

در روابط بالا Yt متغیر وابسته و Xit متغیرهای مستقل هستند. L عملگر وقفه و wt برداری از متغیرهای قطعی شامل متغیرهای از پیش تعیین شده در مدل شامل عرض از مبدأ، متغیرهای مجازی، روند زمانی و سایر متغیرهای برون‌زا است. P تعداد وقفه‌های به‌کار رفته

1. Pesaran and Shin

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

برای متغیر وابسته و q تعداد وقفه‌های مورد استفاده برای متغیرهای مستقل می‌باشد. تعداد وقفه‌های بهینه برای هریک از متغیرهای توضیحی را می‌توان با کمک یکی از معیارهای آکائیک، شوارتزبیزین، حنان‌کوئین و یا ضریب تعیین تعدیل شده تعیین کرد. در این مطالعه معیار شوارتزبیزین باتوجه به حجم کم داده‌ها و صرفه‌جویی در تعیین وقفه استفاده می‌شود. ضرایب بلندمدت به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$\theta_i = \frac{\hat{b}_i(L,q_i)}{1-\hat{\varphi}(L,p)} = \frac{\hat{b}_{i.}+\hat{b}_{i1}+\cdots+\hat{b}_{iq}}{1-\hat{\varphi}_1-\hat{\varphi}_2-\cdots-\hat{\varphi}_p} \qquad (5)\ i = 1,2,\ldots,k$$

روش ARDL شامل دو مرحله برای تخمین روابط بلندمدت است. مرحله اول در مدل پویای ARDL وجود رابطه بلندمدت بررسی می‌شود و مرحله دوم تخمین ضرایب بلندمدت و کوتاه مدت صورت می‌گیرد و تنها زمانی انجام می‌شود که در مرحله اول رابطه بلندمدت تأیید شود. پس از تخمین مدل پویای ARDL، فرضیه زیر مورد آزمون قرار می‌گیرد:

$$H_. = \sum_{i=1}^{p}\varphi_i - 1 \geq 0$$
$$H_1 = \sum_{i=1}^{p}\varphi_i - 1 < 0 \qquad (6)$$

فرضیه صفر بیانگر عدم وجود رابطه بلندمدت است. به منظور بررسی رابطه بلندمدت از آزمون باند[1] استفاده می‌شود. بر اساس آزمون باند، زمانی می‌توان وجود یک رابطه بلندمدت بین متغیرهای مدل را پذیرفت که آماره F بدست آمده از کران بالای بحرانی بزرگتر باشد. چنانچه وجود هم‌جمعی تأیید شود، روابط بلندمدت برآورد می‌شود.

۵. نتایج تحقیق

قبل از پرداختن به آزمون، پایایی همه متغیرها بررسی می‌شود تا اطمینان حاصل شود که هیچ یک از متغیرها I(۲) نباشند. در صورت وجود متغیرهای I(۲) در مدل، آماره‌های F قابل اعتماد نیستند. برای اطمینان از پایایی و ناپایایی متغیرهای سری زمانی مورد استفاده در الگو از آزمون دیکی فولر تعمیم‌یافته (ADF) استفاده شده است. جدول (۱) نشان دهنده نتایج آزمون دیکی فولر تعمیم یافته در سطح برای متغیرهای مورد نظر می‌باشد.

1. Bond test

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

جدول (۱): نتایج آزمون‌های ریشه واحد در حالت سطح

	با عرض از مبدأ و بدون روند*			با عرض از مبدأ و روند**		
متغیرها	آماره ADF	Prob.	نتیجه آزمون	آماره ADF	Prob.	نتیجه آزمون
LBL	-۲/۶۲	۰/۱۱	ناپایا	-۰/۸۹	۰/۹۹	ناپایا
LGDP	۵/۲۱	*۰/۰۰	پایا	-۳/۷۶	**۰/۰۶	پایا
LEX	-۲/۴۲	۰/۱۵	ناپایا	-۲/۲۸	۰/۴۳	ناپایا
LPOL	-۳/۰۱	۰/۱۶	ناپایا	-۱/۶۹	۰/۴۱	ناپایا

* معناداری در سطح ۵ درصد

** معناداری در سطح ۱۰ درصد

منبع: یافته‌های تحقیق

همان‌طور که مشاهده می‌شود تمام متغیرها به استثنای LGDP در سطح ناپایا می‌باشند. لذا برای تشخیص درجه پایایی متغیرهای مورد نظر، آزمون دیکی‌فولر تعمیم‌یافته برای تفاضل مرتبه اول در جدول (۲) تکرار شده است. نتایج آزمون نشان می‌دهد که همه متغیرها با یک بار تفاضل‌گیری پایا شده‌اند.

جدول (۲): نتایج آزمون‌های ریشه واحد روی تفاضل مرتبه اول متغیرها

	با عرض از مبدأ و بدون روند*			با عرض از مبدأ و روند**		
متغیرها	آماره ADF	Prob.	نتیجه آزمون	آماره ADF	Prob.	نتیجه آزمون
LBL	-۵/۶۹	*۰/۰۰	پایا	-۳/۱۲	۰/۱۴	ناپایا
LEX	-۲/۶۴	**۰/۱	پایا	-۲/۲۲	۰/۴۴	ناپایا
LPOL	-۳/۱۱	*۰/۰۴	پایا	-۱/۷۱	۰/۶۸	ناپایا

* معناداری در سطح ۵ درصد

** معناداری در سطح ۱۰ درصد

منبع: یافته‌های تحقیق

نتایج برآورد مدل ARDL، مبتنی بر سه بخش رابطه پویا، بلندمدت و کوتاه مدت می‌باشد. معادله زیر به عنوان رابطه پویای بین متغیرها تصریح و برآورد می‌شود:

$$\mathbf{LBL} = \alpha + \sum_{j=1}^{p} \alpha_{1j}\mathbf{LBL}_{t-j} + \sum_{j=0}^{q_1} \alpha_{2j}\mathbf{LGDP}_{t-j} + \sum_{j=0}^{q_2} \alpha_{3j}\mathbf{LPOL}_{t-j} - \sum_{j=0}^{q_3} \alpha_{4j}\mathbf{LEX}_{t-j} + \mathbf{U}_t \quad (۷)$$

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

برای برآورد رابطه فوق با توجه به این که داده‌ها سالانه است حداکثر وقفه، ۲ لحاظ و با استفاده از معیار شوارتز- بیزین، وقفه بهینه انتخاب می‌شود. بدین روی وقفه بهینه هرکدام از متغیرها مشخص و مدل به صورت (۲,۲,۱,۱) ARDL برآورد شد. پس از تخمین معادله پویای ARDL، وجود رابطه بلندمدت با آزمون باند بررسی می‌شود. نتیجه این آزمون در جدول (۳) ارائه شده است:

جدول ۳. نتایج آزمون کرانه‌ها

مقدار آماره F مدل	۳٤/۳۹	۳=K
	I(1) Boud	I(0) Boud
مقادیر بحرانی کرانه‌ها در سطح ۱ درصد	٥/٦١	٤/۲۹

بر طبق این آزمون مقدار آماره F برابر ۳٤/۳۹ است که از کران بالای مقادیر بحرانی آزمون بیشتر است. بنابراین وجود رابطه بلندمدت بین متغیرهای مطالعه با اطمینان ۹۹ درصد تأیید می‌شود. پس از اطمینان از وجود رابطه بلندمدت، نتیجه برآورد در جدول (٤) ارائه می‌گردد:

جدول (۴): نتایج حاصل از برآورد رابطه بلندمدت

متغیرها	ضرایب	انحراف معیار	آماره t	ارزش بحرانی
LPOL	۰/۱۰	۰/۰۲	۳/٥۱	٭۰/۰۰
LEX	۰/۱٦	۰/۰۳	٦/۰٥	٭۰/۰۰
LGDP	۰/٦٦	۰/۰٥	۱۲/۲۳	٭۰/۰۰
C	-۹/۲۳	۰/۸۷	-۱۰/٥۸	٭۰/۰۰

٭ معناداری در سطح ٥ درصد

منبع: یافته‌های تحقیق

از آن‌جا که نتایج حاصل از آزمون کلاسیک نشان‌دهنده عدم وجود همبستگی پیاپی بین اجزاء اخلال، معادله صحیح تصریح شده و واریانس همسان هستند، لذا نتایج حاصل از رابطه بلندمدت قابل اعتماد می‌باشد. به‌علاوه نتایج آزمون‌های CUSUM و CUSUMSQ برای بررسی ضرایب برآورد شده و آزمون پایداری ضرایب کوتاه مدت و بلندمدت در طول زمان نیز حاکی از این بود که از آن‌جا که در هر دو آزمون آماره‌ها در داخل فواصل اطمینان ۹٥ درصد قرار دارند فرض صفر مبنی بر ثبات ضرایب پذیرفته شده و در سطح اطمینان ۹٥

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

درصد نتایج به‌دست آمده قابل اتکا و معتبر هستند. نتایج به‌دست آمده از جدول (٤) نشان می‌دهد که تمامی متغیرها در فاصله اطمینان بالای ۹۵ درصد معنادار هستند. همان‌طور که دیده می‌شود کشش بلندمدت تراز بازرگانی در تجارت بین‌الملل نسبت به متغیرهای رشد اقتصادی، نرخ ارز و ثبات سیاسی معنی‌دار و مثبت می‌باشد. ضرایب برآوردی متغیرها در الگوی تصحیح خطا نیز معنادار می‌باشند. طبق نتایج بدست آمده ضریب جمله تصحیح خطا در این مدل، ۰/۲۳- به‌دست آمده است که به معنی تعدیل ۲۳ درصدی تراز بازرگانی در تجارت بین‌الملل در هر دوره تا برقراری تعادل بلندمدت است.

نرخ ارز حقیقی یک قیمت نسبی مهم در تعیین موقعیت حساب جاری خارجی در یک اقتصاد باز است. افزایش نرخ ارز حقیقی، تولید کالاهای قابل تجارت را سودآور کردهو به انتقال منابع از بخش غیر قابل تجارت به بخش قابل تجارت منجر می‌شود. به‌علاوه مصرف کنندگان نیز مصرف کالاهای قابل تجارت را با جانشین کردن کالاهای غیر قابل تجارت کاهش می‌دهند. بدین ترتیب موقعیت حساب جاری خارجی بهبود می‌یابد.

بر اساس نتایج، اثر شاخص ثبات سیاسی بر وضعیت تجارت بین‌الملل و تراز بازرگانی مثبت و معنادار است. به بیان دیگر با بهبود شاخص ثبات سیاسی، وضعیت تجارت بین‌الملل و تراز بازرگانی کشور بهبود می‌یابد. زیرا در صورت فقدان ثبات سیاسی در کشور، فعالین اقتصادی انگیزه خود را برای انجام فعالیت‌های تولیدی به‌ویژه فعالیت‌های نوآورانه که متکی بر عوامل جدید تولید است، از دست می‌دهند. در چنین فضایی امکان استفاده مطلوب از نیروی انسانی و گسترش بازار مؤلفه‌های نوین تولید کاهش یافته و در نتیجه امکان صادرات کاهش و تراز بازرگانی در تجارت بین‌الملل دچار اختلال می‌شود. در حالی که ثبات سیاسی موجب ترغیب فعالان اقتصادی و شهروندان در محیطی آرام و امن به سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های تولیدی، افزایش قدرت رقابت-پذیری و چانه‌زنی در عرصه نظام بین‌المللی ناشی از کاهش هزینه‌ها و قیمت‌ها و در نهایت بهبود تراز بازرگانی در تجارت بین‌الملل مستمر می‌شود. بهبیان دیگر با بهبود شاخص ثبات سیاسی به میزان ۱ درصد، تراز بازرگانی به میزان ۱۰ درصد بهتر می‌شود.

به‌علاوه مثبت بودن ضریب رشد اقتصادی و اثر آن بر تراز بازرگانی در تجارت بین‌الملل حاکی از این است که فرضیه رشد اقتصادی، حامی تجارت تأیید می‌شود. رشد اقتصادی

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

می‌تواند ناشی از رشد عوامل تولید فیزیکی و یا ناشی از رشد بهره‌وری و پیشرفت فنی باشد. اثر نهایی رشد اقتصادی بر تجارت خارجی بستگی به برآیند دو اثر تولیدی و مصرفی دارد. اثر تولیدی بیان می‌نماید چنان‌چه رشد محصول کالای صادراتی کشور از رشد محصول کالای وارداتی بیشتر باشد، در این صورت اثر تولیدی موافق تجارت است و در حالت عکس، اثر تولیدی ضد تجارت است و در صورت برابری، این اثر خنثی است. اثر مصرفی موافق تجارت است اگر رشد مصرف کالاهای وارداتی کشور نسبت به رشد مصرف کالاهای صادراتی بیشتر باشد و در حالت عکس، اثر مصرفی ضد تجارت است و در حالت برابری، این اثر خنثی است. مثبت شدن اثر رشد اقتصادی بر تراز بازرگانی در تجارت بین‌الملل طبق نتایج مطالعه، حاکی از هم‌جهت بودن موافق اثر تولیدی و مصرفی و یا بزرگتر بودن یکی از اثرات موافق (تولیدی/مصرفی) نسبت به یکی از اثرات مخالف (مصرفی/تولیدی) است.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

۶- نتیجه‌گیری

مطابق ادبیات اقتصاد سیاسی، ساختار اقتصادی و سیاسی یک کشور رابطه تنگاتنگ و در عین حال پیچیده‌ای با یکدیگر دارند؛ به گونه‌ای که ساختار و فضای سیاسی کشور به عنوان سیستم هدایت‌گر مدیریت اقتصادی کشور که منعکس کننده تفکرات اقتصادی آن سیستم سیاسی است، شناخته می‌شود. از این رو هرگونه اختلال در فضای سیاسی کشور نظیر بی‌ثباتی سیاسی می‌تواند منجر به آسیب بر پیکره اقتصادی جامعه شده و حرکت طبیعی اقتصاد را مختل نماید و وضعیت شاخص‌های عملکرد اقتصادی نظیر تراز بازرگانی در تجارت بین‌الملل را بدتر نماید. در این مقاله تأثیر بی‌ثباتی سیاسی با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی ایران بر تجارت بین الملل کشور کشور مورد بررسی قرار گرفته است که نتایج اثر مثبت و معنادار ثبات سیاسی را بر بهبود وضعیت تجارت بین‌الملل و تراز بازرگانی تأیید نمود. هم‌چنین نتایج بیانگر این بود که اثر رشد اقتصادی و نرخ ارز حقیقی مؤثر بر تراز بازرگانی در تجارت بین‌الملل مثبت و معنادار است. به بیان دیگر با افزایش رشد اقتصادی و نرخ ارز حقیقی مؤثر، تراز بازرگانی در تجارت بین‌الملل بهبود می‌یابد. بر اساس نتایج، ثبات سیاسی می‌تواند به عنوان یک عامل بهبود دهنده وضعیت تجارت بین‌الملل و تراز بازرگانی مطرح شود. روشن است که چنان‌چه شاخص ثبات سیاسی بهبود یابد، می‌تواند موجب بهبود انگیزه‌های کسب و کار در جامعه شود و باعث افزایش استفاده از ظرفیت‌های تولیدی کشور، افزایش توان رقابتی، رشد سهم بهره‌وری کل عوامل در تولید ناخالص داخلی گردد و سرانجام صادرات کشور افزایش و وضعیت تجارت بین‌الملل بهبود یابد و تراز بازرگانی بهتر شود. از این رو تأکید بر ایجاد فضای سیاسی باثبات در جامعه و توجه بیشتر به آرا و نظریات اقلیت‌های سیاسی، قومی و مذهبی می‌تواند در بهبود تراز بازرگانی در تجارت بین‌الملل و افزایش توان رقابتی کشور مؤثر واقع شود.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

منابع

امینی، آرمین و محمودی، زهرا (۱۳۹۰). «اسلام و روابط بین‌الملل از گفتمان حل‌المسائلی به گفتمان رهایی بخش»، *فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام*، سال ۱، شماره۱، ۳۹-۲۵.

بنی‌هاشمی، میرقاسم (۱۳۹٤). «انتخابات و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران»، *مطالعات راهبردی*، شماره ٦۹، ۱۷۰-۱۳۹.

جعفری‌صمیمی، احمد؛ بابازاده، محمد و اکبریان‌مهر، زهرا (۱۳۸٦). «بررسی رابطه بین ثبات سیاسی و کارایی دولت با رشد اقتصادی کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا». *فصلنامه علوم اقتصادی*، سال اول، شماره ۱، ۷۷-۵۵.

خواجه سروی، غلامرضا (۱۳۸۲). *رقابت سیاسی و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

دهشیری، محمدرضا و مقامی، اسماعیل (۱۳۹٤). «بیداری اسلامی و شکل‌گیری هندسه جدید خاورمیانه». *فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام*، سال ۵، شماره ٤، ۱۸۰-۱۵۷.

ساندرز، دیوید (۱۳۸۰). *الگوهای بی‌ثباتی سیاسی*. ترجمه ناشر، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

سمیعی اصفهانی، علیرضا؛ محمدی عزیزآبادی، مهدی و نیکفر، جاسب (۱۳۹٤). «ژئوپلیتیک هویت و تأثیر آن بر راهبرد امنیتی ایران و عربستان در بحران یمن». *فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام*، سال ۵، شماره۲، ۲۷-۱.

شاه‌آبادی، ابوالفضل و بهاری، زهره (۱۳۹۳). «تأثیر ثبات سیاسی و آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب توسعه‌یافته و در حال توسعه». *فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، شماره ۱٦، ۷۲-۵۳.

شیرازی، حبیب اله ابوالحسن (۱۳۹٤). «میزان سنجی تأثر عنصر رقابت بر جنگ‌های نیابتی ایران و عربستان». *فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام*، سال۵، شماره۱، ۱۰۲-۷۷.

عسگریان، عباسقلی؛ شیراوند، صارم؛ نجفلوی ترکمان، مجید و ادیب سرشکی، میلاد (۱۳۹٤). «تحلیل گفتمانی نگاه بازیگر آمریکایی و ایرانی به مفهوم تروریسم». *فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام*، سال۵، شماره۲، ۱۸۳-۱٤۵.

عظیمی دولت‌آبادی، امیر. (۱۳۸۷). *منازعات نخبگان سیاسی و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

غراپاق زندی، داود (۱۳۹٤). «اسلام و روابط بین‌الملل: رویکرد هستی شناختی». *فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام*، سال۵، شماره٤، ۱۳٦-۱۱۳.

فایرابند، ایو؛ فایرابند، روزالیند (۱۳۷۹). *تغییر اجتماعی و خشونت سیاسی در خشونت و جامعه*. ترجمه اصغر افتخاری، تهران: سفیر.

فاضلی‌نیا، نفیسه (۱۳۸۵). «ژئوپلیتیک شیعه و مسأله امنیت ملی ایران»، *شیعه‌شناسی*، سال ٤، شماره ۱۳، ۳٦-۲۱.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

قربانی، محمد و هزاره، رضا (۱۳۹۵). «تأثیر مؤلفه‌های سیاسی و اقتصادی بر عملکرد محیط زیست: کاربرد الگوی لاجیت ترتیبی داده‌های تابلویی با اثرگذاری‌های تصادفی»، *اقتصاد کشاورزی*، شماره ۱، ۱۹۸-۱۷۵.
کاتبی، محمود (۱۳۷٦). «فرهنگ، ثبات سیاسی و توسعه ایران در فرایند نوسازی و توسعه». *مجله فرهنگ*، دوره ۲۲ و ۲۳، ۱۰۰-۷۹.
کرم‌زادی، مسلم (۱۳۹۵). «سلفی‌گرایی جهادی – تکفیری و آینده ثبات سیاسی در منطقه خاورمیانه»، *فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام*، سال ٦، شماره ۱، ۱٤۲-۱۱۳.
کشاورز شکری، عباس و صادقیان، هاجر (۱۳۹۲).«سیاست خارجی و مواضع دولت‌های ایران و ترکیه درباره بحران سوریه»، *فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام*، سال ۳، شماره ٤، ۱۰٦-۷۵.
مهرآرا، محسن؛ معینی‌فرد، مژگان و مهربانی، وحید. (۱۳۹٤). «عوامل مؤثر بر ظرفیت مالیاتی در کشورهای منطقه منا با تأکید بر حکمرانی خوب»، *راهبرد اقتصادی*، شماره ۱۲، ۱۵۲-۱۲۹.
می‌دری، احمد (۱۳۷٤). «بی‌ثباتی سیاسی و رشد اقتصادی»، *فصلنامه راهبرد*، شماره ٦، ۱۷۷-۱٦۳.

Aisen, A. & Veiga, F. (2011), "How Does Political Instability Affect Economic
Lastick, Ian (2000). Stability in deeply divided societies: Consociationalism versus control in Hutchinson and Anthony D. Smith (eds.) Critical Concepts in Political Science (Vol. 5), London: Rutledge.
Sobborio, G. and Patti, D. (2002) "Political Instability and Public Expenditure", Availability. www.polis.UNipmn.it
Asteriou, D. & Price, S. (2001), "Political Instability and Economic Growth: UK Time Series Evidence", Scottish Journal of Political Economy, 48(4), 244-249.
Barro, R. J. (1996), "Democracy and Growth", Journal of Economic Growth, 1(1), 1-27.
Fosu, A. K. (2001), "Political Instability and Economic Growth in Developing Economies: Some Specification Empirics", Economics Letters, Elsevier, 70(2), 289-294.
Gyimah-Brempong, K. & Traynor, T. (1999), "Political Instability, Investment and Economic Growth in Sub-Saharan Africa", Journal of African Economies, 8(1), 52-86.
Qureshi, M. N., Karamat, A. & Rafi Khan, I. (2010), "Political Instability and Economic Development: Pakistan Time-Series Analysis", International Research Journal of Finance and Economics, 56(1), 179 -192.
Kaufmann. D., Kraay, A. & Mastruzzi, M. (2005), "Governance Matters IV:
Governance Indicators for 1996-2004", World Bank Policy Research Working Paper, No. 3630. Washington, D.C., 1-133.
Jong-A-Pin, R. (2006), "On the Measurement of Political Instability and its Impact on Economic Growth", European Journal of Political Economy, 25(1), 15-29.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

Scully, G. (2002), "Economic Freedom, Government Policy and the Trade-Off between Equity and Economic Growth", Public Choice, 113(1-2), 77-96.
Castles, F. (1974). Political Stability. Milton Keynes: Open University Press.
Growth?", IMF Working Paper, No. 11/12, 1-28.

به این مقاله این‌گونه استناد کنید: DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۶۰۳۰۵

درینی، ولی‌محمد؛ اسماعیل پورمقدم، هادی؛ دهباشی، وحید (۱۳۹۵)، «تجزیه و تحلیل تأثیر بی‌ثباتی سیاسی با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی ایران بر تجارت بین‌الملل» *فصلنامهٔ پژوهشهای سیاسی جهان اسلام*، س۶، ش۳، پاییز ۹۵، صص ۱۱۹-۱۰۱

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]